

# وزیر معروف افغانستان

میر علی شیر نوائی در قرن نه هجری

(۱۲)

مترجم آقای سرورخان گویا

ترجمه و اقتباس از اورنبل کالج میکین

نمره مسلسل (۲۶)

## عقائد مذهبی

علاوه بر خصائل مذکور میر در افکار و عقائد دینی هم شخص را سخ العقیده بود و از نتیجه عقیده اوست که در باغ مرغی مسجدی تعمیر نمود و در زیب و زینتش مساعی جمیله بخرج داد. درین مسجد نماز جمعه و سایر نماز های پنج وقت بجماعت ادا می شد خواه چه حافظ محمد سلطان شاه قاری معروف در ان عهد و وظیفه امامت را انجام میداد. میر از بهر قوام و نفاذ امور شرعی به تخصیص در امر پابندی نماز محتسبی مقرر کرده بود از وظائف محتسب یکی ترغیب و تنبیه مامورین بود بصوم و صلوة. گذشته از مسجد جامع هرات که در آبی بتفصیل از ان صحبت میکنیم ۱۹ مسجد بزرگ دیگر تعمیر نمود. در تمام عمر اشتیاقی از سفر حج بدل می پروراند اما کار کنان قضا و قدر او را بدین آرزو نایل نساخت. گاهی سلطان حسین مرزا و گاه سائیرین او را از نیل بدین آرزو مانع می آمدند چنانکه از اطراف و اکناف و فدهای متعدد برای جلوگیری او از سفر حج می آمدند و وجودش را برای امنیت خراسان ضرور میگفتند.

میر بخدمت فقر او مشایخ عقیدت زیادی داشت و مولانا عبدالرحمن جامی از دوستان خاص و مقتدای او بود و بواسطت او در ذیل سلسله مبارک نقشبندیه درآمد. میر در حیات خود چندین مزار بزرگان را طرح تعمیر رنخت. از ان جمله

است مزار خواجه عبدالله انصاری و مزار شیخ فریدالدین عطار و مزار شاه قاسم انوار که از مشاهیر عرفایند.

هر گاه ما روایت مجالس العشاق را تسلیم کنیم غلط نخواهد بود اگر گوئیم که میر از بهر وصول بمنزل مقصود و عروج به عشق حقیقی مدارج و مراحل عشق مجازی را سیر کرده است چنانچه در عهد شباب با محمد بیگ نام جوانی الفت و محبت داشته و اکثر اوقات در عشق او با چشم گریان و سینه بریان بسرمی برد. روابط دوستی میر با مولانا عبدالرحمن جامی از خطوطیکه برای یکدیگر

نوشته اند ظاهر میگردد میر علی شیر اشعار و غزلیات خود را جهت اصلاح بخدمت مولانا جامی میفرستاد چنانچه در بازگشت مولانا از سفر حجاز از راه شام میر رباعی ذیل را بحضورش نوشت.

انصاف بده ای فلک مینا فام      نازین دو کدام خوبتر کرد خرام  
خورشید جهانتاب تو از مطلع صبح      یاماه جهان کرد من از جانب شام

رباعی مذکور خیلی مورد قبول و پسند مولانا گردید و در جواب آن مکتوبی فرستاد.

( مکارم ق ۹۱۳۲ )

میر گذشته از مولانا بخدمت اکثر فقرای وقت عقیدت داشت که ما از تذکار اسامی آنها جهت اختصار صرف نظر نمودیم.

### آثار باقیه

میر در راه رفاه عام اقدامات نیکو و مساعی بلیغی صرف کرده اند و ما بطور اجمال طرفی از آن ذکر میکنیم. میر علاوه بر مدارس تخمیناً ۱۵ خانقاه و ۵۲ رباط و ۱۹ حوض ۱۶ یل و ۹ حمام ساخته و این خانقاه ها تکیه گاه چرسیان و بنکیان حواس باخته نبود بلکه بمکاتب علمی و مراکز تربیوی بیشتر مشابته

داشته چنانچه يك مدرسه و يك مسجد از ملحقات هر خانقاه بوده بر علاوه برای مساکین و غربا و محتاجان لنگری هم جاری بود برای تسهیل عبور و مرور مسافرین چندین رباط و سرای بر سر راه ها بنا نمود و دریا های بزرگی را پل بست تا در عبور و مرور عابرین و مترددین سهولتی دست دهد.

میر از پول شخصی خود بر کنار نهر انجیل بیمارستان بزرگی هم تعمیر نمود که در آن اطبای حاذق عصر به امر معالجه و تداوی مرضا مشغول بودند اگر ما نوشته سفینه خوشگور را مدار اعتبار قرار دهیم با آنکه سند و حواله به ما خذی ندارد غلط نخواهد بود اگر گوئیم که عده بناهای خیره میر در خراسان بیشتر از ۱۲ هزار بوده است. از مهمترین و گرانبها ترین سیرت میر نظام الدین علی شیر نوائی قسمت بزرگی باقی و آن عبارت است از قسمت علمی او که برای سیرت نگار علمی و ادبی از مشکل ترین کاری میباشد میر علی شیر در عرصه علم و دانش تنها يك مصنف و شاعری نیست بلکه ازین لحاظ نیز دارای رتبه بلندی بوده که بهترین حامی علم و فن و بزرگترین قدر دان شعر و سخن بشمار میرود این رتبه را تنها بزبان فارسی حایز نگشته بلکه در زبان ترکی نیز مقام ارجمندی را اجر از فرموده و اقتدارش در آن زبان نسبت بفارسی بمراتب بلندی بوده و میتوان آن نام نیکور ازیب عنوان از آداب اللغة ترکی قرار داد چه پیشتر عمر گرانمایه را در انشاد اشعار و تالیف کتب بزبان ترکی صرف نمود نخلص خود را در زبان ترکی نوائی و در فارسی فانی معین کرده بود. عده تالیفات این وزیر بزرگوار بقرار تحقیقات موسیو بیلن *Belin* به ۹۲ میرسد موسیو بلوشه در ذیل کتابی که موسوم به مصوری مسلمانان است *Mussalman Paintings* عکس جلدی از کلیات میر ارائه نموده که در آن تمام تالیفات میر نام بنام مرقوم بود.

میر به تتبع شیخ نظامی گنجوی در ترکی خمسه برشته نظم کشید این خمسه

کما بیش دارای ۲۷ هزار بیت است مثنوی دیگری هم گفته مسمی به لسان الطیر و در غزلیات چهار دیوان بنام های ذیل دارد. ( ۱ ) غرایب الصغر ( ۲ ) نوادر الشباب ( ۳ ) بدایع الوسط ( ۴ ) فواید الکبر - \* . چهل رباعی که در حقیقت ترجمه چهل حدیث است میزان الاوزان رساله ایست راجع به عروض در زبان ترکی. اگر چه در زبان فارسی خامه کهر ریز او کمتر رشحه ریزی نموده باز هم عده اشعار او بزبان فارسی تا به شش هزار میرسد در فن معمار رساله کوچکی موسوم به ( مفردات در معما ) نوشته و این رساله کوچک شهرت مخصوصی دارد راجع به فن انشا و سایر صنوف ادب کتب ذیل را تالیف کرده است ( ۱ ) مجالس النقایس ( ۲ ) تاریخ مجمل در ذکر انبیا و مرسلین ( ۳ ) در بیان احوال ملوک عجم ( ۴ ) خمسة المتحیرین که حاکی از روابط و تعلقات دوستانه میر علی شیر نوائی با مولانا جامی است ( ۵ ) منشیات ترکی ( ۶ ) رساله دو بیان احوال امیر سید حسن اردشیر ( ۷ ) در ذکر اطوار پهلوان محمد ابو سعید مهنه ( ۸ ) محبوب القلوب ( ۹ ) نسایم المحبه ( ۱۰ ) نظام الجواهر ( ۱۱ ) مشایخ ترک هند .

راجع بعلو مقام و بلندی رتبه میر در شعر و شاعری ترکی بدینست که آرای بعضی اکابر عهد را نسبت بمیر بیان نمائیم مولانا فخری که مجالس میر را بفارسی ترجمه ( ۸ ) این چهار دیوان خود را در برابر چهار دیوان امیر خسرو دهلوی که موسوم به تحفه الصغر ( اشعار اول جوانی و نهار زندگی ) و واسعه الحیات ( ایات هنگام شباب و میانه عمر ) و عزه الکمال ( منظومات ابتدائی سلوک ) و بقیة النقیه است ( واردات زمان کهولت و دوره تکامل ) ساخته علاوه بر آن قصیده معروف امیر خسرو دهلوی را که موسوم به بحر الا برار است و شعرای بزرگی باستقبال آن پرداخته از آن جمله مولانا جامی و میرزا بیگلر قصابی بنام لجة الاسرار و سواد اعظم در برابر آن سروده اند . میر علی شیر نیز استقبال نموده و قصیده بنام تحفه الافکار که گریز آن بمدح حضرت جامیست ساخته و تاریخ اتمام این قصیده بقول خود نوائی یوم جمعه ماه رجب است دولت شاه سمرقندی مینویسد : که این جواب بر اجوبه دیگران فضل دارد : ( مترجم ) .

نموده می نویسد: «خامنه در شعر و شاعری پیش ترکان خرد مند فاضل و نازی  
زبانان ترکی دان کامل مقرر است که تا بناء نظم ترکی شده مثل او کسی قدم درین  
وادی ننهاده خسرو این قلمرو اوست و او را در میان انرا که قرینه مولینا  
عبد الرحمن میدارند.» (لطایف نامه فخری، ص ۲۲۱)

نوبتی مولینا لطفی که او را «گل سر سبد» شاعری ترکی میتوان گفت با  
علی شیر نوائی که هنوز در عنقوان شباب بود در محفلی ملاقی شد و میر را بخواندن  
غزلی مکلف نمود میر هم غزلی خواند که مطلعش این است:

عارضینک یا بی قاج کوز و مدین ساچیلور هر لحظه یاش  
بو یله کیم پیدا بولور یولده و ز نهان بول قاج قویاش

لطفی از استماع این غزل بی نهایت محظوظ شده و گفت اگر ممکن میبود من  
ده دوازده هزار شعری که گفته ام میدادم و در عوض همین یک غزل را میخریدم.  
(مکارم ۱۳۶ ب)

مولف مکارم الاخلاق میگوید: که هیچکس تا پیشتر از نوائی در زبان ترکی  
رباعی نگفته قول او خواه صحیح باشد یا غلط اما اینقدر گفته میتوانیم که  
رباعیات نوائی از شهکارهای ادبیات ترکی به شمار میرود با بر که یک نقاد  
بلند پایه و ادیب صاحب بصیرت است از شاعری نوائی عموماً و از رباعیات  
او خصوصاً وصف و تمجید بی اندازه مینماید (بابر نامه ج ۲ - ص ۲۷۱)  
بنابرین در قیام این رائی که نوائی از بهترین شعرا و رباعی سرایان بوده ابداً  
نامی نداریم.

مسترای - جی دلیوگب که تاریخ ادبیات ترکی را درش جلد نوشته و ترتیب  
داده است راجع به نوائی الفاضل شاننداری از نحسین و تقدیر استعمال

نموده و می نویسد علی شیر که وزیر و بهترین دوست سلطان حسین بود تخلص او نوائی بوده و در شاعری ترکی دولت شهرت دایمی وی را حاصل است اگر چه در فارسی هم تحریر خوبی داشت اما شاهکارهای او را صرف در زبان ترکی میتوان سراغ نمود راجع بنوائی این رای بطور مجموعی درست بنظر می آید که او نخستین شاعر زبر دستی است که در زبان ترکی شعر سرانیده اگر چه در محاورات لسانی اختلافی بنظر می رسد، با این همه نایک زمان متمدنی نوائی برای شعراء ترکی درجه مثال و نمونه را دارا بوده، احمد پادشاه که شاعر بلند پایه در زبان ترکی بود از همه پیشتر تحت تاثیر نوائی واقع شده و اکثر غزلیات او در تتبع و استقبال غزلیات ارسالی نوائی بوده است (کب فاربخ شاعری ترکی ج ۲ - ص ۱۰ - ۱۱).

بر اثرات مهمی که جامی و نوائی در شاعری ترکی انداخته اند شرح مفصل و بیک مضمون وسیع مستقلی بکار دارد ولی در اینجا همینقدر کافی است که گوئیم تا هنگامیکه ادبیات ترکی در دنیا موجود باشد کلام این دو بزرگوار بوقعت و با نظر احترام دیده خواهد شد و هیچ مورخ و نقادی نمیتواند که از رتبه رفیع این دو بزرگوار چیزی بکاهد زیرا ایشان به اعتراف سلسل و اقرار متواتر از مننه و دهور مستحق این منزلت گردیده اند.

تا جائیکه میر علی شیر بشاعری فارسی تعلق میگیرد شکی نیست که مقام او در شعر فارسی نسبت به ترکی نازل تر است، نوائی یقیناً شش هزار بیت در زبان فارسی گفته مگر ما متأسفانه از تقدیر و اندازه ابیات او بطور صحیح امروز عاجزیم، چه حوادث زمان دست ما را از آنها کوتاه ساخته و چشم ما را از مطالعه جمال آنها محروم نموده تذکره نگاران ما میرا در دسته شعرای بزرگ زبان فارسی جاداده اند

اما شگفت نیست که درین مورد دخل عقیدت بمراتب بیشتر است تا بواقعیت و حقیقت. میر اشعار خود را در خدمت مولانا جامی اصلاح میکرد عارف جامی هم گاهی اصلاح و انتخابی در آن نموده ولی اکثراً غزل یا قصیده او را عیناً پس میفرستاد نوبتی مطلع آتی را که در استقبال امیر خسرو گفته بود از مرو بخدمت عارف جامی جهت اصلاح فرستاد مطلع این است.

آتشین لعلی که تاج خسروان را زیور است      اخگری بهر خیال خام پختن در سراسر است  
 عارف جامی مکتوبی در جواب نوشت و از آن مکتوب روابط اتحاد درین  
 هردو وقت شاعری میر بطور صحیح در نزد او آشکار می شود. مکتوب  
 قرار ذیل است.

زهی کرده از شوق شهباز طبت      همایان (؟) قدسی هوای تدروی  
 ز مروم فرستاده مطلع خوش      کز اهل سخن مثل آن نیست مروی

«الحق مطلعی است، انوار لطف و زکا از معانی آن طالع، و آثار حسن  
 از عبارات آن لامع، اگر چنانچه گاهی با تمام آن بردازند و بر تواندیشه بر تکمیل  
 آن اندازند، شك نیست که واسطه العقد شهر و اعراف خواهد بود، حق  
 سبحانه از هر چه نباید مضمون دارا دو هر چه نشاید مأمون»  
 (مکارم - ق ۱۳۶).

چون سخن از اشعار فارسی میر بمیان آمد بی مناسبت نیست که نمونه از اشعار  
 فارسی او را بمیدان آوریم اشعار ذیل از سفینه خوشگو انتخاب رفت.

خیال طاعت شب میکنم بروز بسی      چو شب شود برد از خود مرا خیال کسی  
 دلم بدست تو مرغی ست در کف طفلی      که نه کند، گذارد نه سازد نفسی

\*\*\*

ای شب غم چند دور از روی یارم میکشی      زنده میدارم ترا بهر چه زارم میکشی  
 این ابیات از قصیده است که در تتبع امیر خسرو و مدح عارف جامی سروده.

آنشین لعلی که تاج خسرو انرا زیور است  
 بادهان خشک و چشم تر قناعت کن از آنکه  
 اخگری بهر خیال خم بختن بر سر است  
 هر که قانع شد بخشک و ترشۀ بحر و بر است  
 آری آری دانه جنس خویش را بار آور است

راهرو را فاقه و نعمت کند منع سلوک  
 مسند اقبال عاشق گلخن دیوانگی است  
 اسپراه آنست کونه فر پونه لاغراست  
 فرش سنجاب سمندر توده خاکستر است  
 خانه داری کار زن لشکر نصب شوهر است  
 مهر را یک روز مهراه از با ختر تا خاور است

اگر از بقیه تالیفات میر تذکار نمائیم سخن بطول می انجامد و چندان  
 موزون هم نیست علاوه بر آن اشکال و تکلیفی هم برای ما معلوم میشود زیرا  
 که اکثر تصانیف میر بزبان ترکی است و ما در اینجا بطور صحیح مصداق این  
 مضمون واقع شده ایم که :

« زبان یار من ترکی و من ترکی نمیدانم »

چه اگر محض همینقدر بگوئیم که رای زید چنین است و خیال بکر چنان  
 چندان خوش آیند نیست چقدر خوب است که این مشکلات علمی ما را به تحصیل  
 زبان ترکی و دیگر السنه اسلامی و ادب آن سازد حقیقه کجای افسوس است که زبان  
 ترکی تا حال طرف توجه ما واقع نگشته در صورتیکه مستحق توجه و سزاوار  
 مساعی ماست .

ذرین عهدیکه میر علی شیر شخص بر ازنده آن است فن معما و استخراج ماده  
 تاریخ از الفاظ و کلمات بحساب جمل بانتهای عروج رسیده بود هر که اندک میلی  
 به شعر گفتن داشت معما را حتماً طرف توجه قرار می داد و این مخصوص شاعری  
 ترکی و فارسی نبوده بلکه در شاعری جمله اقوام مسلمانان استخراج ماده تاریخ  
 از وقایع و حوادث مختلفه ؛ عمومی داشته و درین رشته چندین اکابر بنظر  
 میرسند که وقت و دماغی درین زمینه صرف کرده اند میر علی شیر هم بنوبه خود



درین فن توجه مخصوصی بکار برده و بعضی از ماده های تاریخ او خیلی داچسپ و جذاب واقع شده ، از جمله در وفات معاصر خود مولانا طوطی قطعه تاریخی سروده که ما عیناً می نویسیم .

بنور صفاروشن است این مقام      لقد صار انواره ، باهره  
جو بایش فخر است او فخر است      لقد کانت تاریخه فاخره (۱)

به بند که التزام « فاخره » با عمارت فخرالدین چقدر موزون و بر معنی افتاده است .

### • محیط علمی میر

آنچه قارئین گرام تاکنون از حیات میر مطالعه نموده اند همه از لیاقت شخصی و صفات لازمی او بوده ولی باید دانست که اثرات این شخصیت واحد و بزرگ نسبت بدنیائی علم و ادب بقدری موثر و نافذ و مفید واقع شده که ازین لحاظ وجود میر بمراتب قابل قدر و تمجید قرار گرفته و سایر نقاط را تماماً تحت الشعاع خویش میگیرد حتی امروز میتوان این موضوع را مورد بحث قرار داد که آیا عظمت میر بدستیاری قابلیت فطری و لیاقت شخصی خودش وابسته است یا به پایه قدردانی از علم و فن او بیشتر مربوط است ؟ شهر هرات بطریق اولی در انعهد با بغداد ، قرطبه ، قاهره و سایر مراکز علمی و ادبی دم از همسری میزد سلسله و حلقه علمی که میر بدور خود تشکیل داده بود عبارت بوده از ادباء ، مورخین ، مفسرین ، انشاء پردازان ، شعراء ، معنائی ها ، خطاطان ، مصورین ، کتاب ، ماهرین فن (۱) از مفهوم این قطعه معلوم نمی شود که این قطعه را در موقع وفات و انتقال مولانا طوطی گفته باشد شاید شخصی فخرالدین نام عمارت یا بقعه بر مزار مولانای مذکور بعد از وفات او ساخته و بر علی شیر تاریخ بنای آن بقعه را باین قطعه گفته باشد چرا که هر چهار مصرع قطعه فوق بانوشته خود صاحب مقاله : « به بنید که التزام « فاخره » با عمارت فخرالدین چقدر موزون و بر معنی افتاده است » موید مدعای ماست . ( مترجم )

تعمیر، ریاضی دانان، سیاق نویسان، شطرنج بازان، موسیقی دانان، پهلوانان، زرگرها، کاسه گرها، کمان گرها، خیاط ها و رویهمرفته ما هرین و متخصصین هر صنف و هر نوع دران شامل بوده و هر صنف مطابق نقطه نظر ان عهد راجع به هر فن خاص خود بر سبک و اسلوب علمی کتاب هائی تصنیف و تدوین میکردند و شخص بزرگ میرریاست همگنان را نموده فریضه قدردانی و حوصله افزائی را چنانکه باید ایفا مینمود. دربارش با آنکه اداره رسمی و مقام منبع وزارت بود اما از چین جبین حاجب و دربان خالی و از چوب دورباش یساولان دولتی مبرا می بود میرقبای خواجگی و قیادت را در بر دارد ولی خود را خدمت گذار اهل علم و فضل می شمرد فضلا و ادبا می آمدند و بدون مزاحمت و تکلف زانو بزانوی بر می نشستند درپاس خاطر و مراعات مقام آنها اندک فرو گذاشتی نمیکرد. اگر به مجالس علمی و ادبی میر توجه و تأمل رود يك جهان آزادگی و بی تکلفی بنظر خواهد آمد. زیرا با شخصی مزاح میکرد و با دیگری سخنان ظرافت آمیز میگفت و سخنان حاضر را وادار بجواب خویش مینمود غرض این انجمن يك منظره دلکش و يك بزم قابل تقلید و سزاوار غبطه بنظر می آید که گویا ما در چنان بزم دلربا نشسته ایم که دران همگنان همه باهم برابر و یکرنگند در جمله اینها شخصی هم است که با این همه تواضع و فروتنی لباس متانت و وقار زیب دوش خود ساخته همه حضار با مراعات کامله بنگاه احترام و توقیر بجانب او مینگرند و در عین حال سلوک و روش او با جمله احباب و یاران برابر و مساوی معلوم میشود اگرچه لطایف و ظرایف این بزم علمی بیرون از شمار است اما برخی ازان ما را بتذکار خود واداری سازد:

در زمان میرزا ابراهیم ولد میرزا علاؤالدوله وقتی میر با چندی از احباب بچائی نشسته بودند که بغتة شهزاده نیز وارد شد و او یک جوان رعنا و خوشگلی بوده و بمصاحبت او امیر محمود نامی هم بود میر از وجاهت و ملاحظت امیر محمود متأثر گردید چنانچه درین موقع یکی از خوش طبعان شعر ذیل را سرود:

آن سیاه چرده که شیرینی عالم با اوست لب بیکون رخ خندان دل خرم با اوست  
میر جواب آن را باین شعر داد.

گرچه شیرین دهنان باد شهبانند ولیک چشم دارم که بجای از همه افزون باشی  
اهل مجلس از استماع این مناظره ادبی نهایت محظوظ شدند.

هنگامیکه میر علی شیر به تعمیر مسجد جامع هرات می پرداخت تحریر کتابه آن به نقاش مشهور و خوشنویس معروف آنعهد یعنی خواجه میرک مفوض بود اما چنانکه عادت هر صاحب کمالی است خواجه میرک در کار کاهلی نشان میداد، میر هر چند کوشش نمود میرک از بطالت و تانی که در کار داشت دست بردار نشد، از یکطرف کار مسجد در معرض تاخیر افتاد و از طرفی میرک در قریه «شادروان» نزدیک هرات کلکشت مینمود. میرک که فیخواست نشد بکند میتوانست ولی در اصلاح میرک تدبیر متین و موزونی سنجد، خواجه جلال الدین محمد کاردار مالیه را فرمود که تا بنام خواجه میرک رقعہ ای بدین مضمون هموست:

خواجه میرک را واضح خاطر باد! مبلغ پنجهزار دینار طلب حکومت که بر ذمه شماست بزودی داخل خزانه سرکاری نمائید، زیرا که درینوقت حکومت سخت به پول ضرورت دارد.

دو نفر محصل این رقعہ را گرفته به نزد خواجه میرک در شادروان رفتند و از وزیر مذکور را طلب کردند، خواجه میرک ازین تقاضای غیر متوقع خیلی مضطرب گردید و سرر است بخدمت میر رسید و عرض نمود که «بلحاظ خدا بمن

امدادی فرمائید تا از عتاب شاهی و ارجم « میر لب خندی زده گفت : « بامداد شما آماده ام بشرطیکه شما کتبه مسجد را در موعد پانزده روز انجام دهید » پس بدین وسیله میرک کتابه مسجد را بزودی انجام داد علاوه برین واقعه عجیبی را نسبت بیک تواردی که درین میر و سهیلی واقع شده بیان میکنند : نوبتی سهیلی نزد میر آمده گفت : « که من در شان میرزا سلطان احمد قصیده ای نوشته ام شما اصلاح فرمائید » میر قصیده را بدقت مطالعه کرده گفت : « بعد ازینتی که نام ممدوح در آن ذکر شده باید بیتی بهتری بیارید » سهیلی گفته میر را قبول نمود بعد هر دو سر بحیب تفکر فرو برده و از یکدیگر جدا نشسته قلم و کاغذ در دست گرفتند پس از آنکه هر دو با هم یکجا شدند تصادف غریبی دست داد زیرا که افکار هر دو بیک نقطه و یک هدف اصابت نموده و نتایج طبع هر دو بطوری توارد آمد که به یک حرف و یا حرکت هم تفاوت نداشت . شعر این بود .

بهار باغ جوانی نهال گلشن عدل      کن ریاض کرم سرو جویار و قار

و ازین غریب تر تواردی است که با امر بهلوان ابوسعید اتفاق افتاد و کیفیت چنین بود که روزی میر یک غزل خود را زیر بالین مانده برای کاری بیرون رفت بهلوان در آن هنگام بحضور میر حاضر بود ، غزل را نقل برداشته بجایش باز گذاشت درین وقت میر وارد شد و بهلوان را بسرودن غزلی از نتایج طبع خودش مکلف نمود ، بهلوان با نهایت بی ساختگی غزل نقل کرد کی را بنا بخواندن گذاشت میر حیران مانده با خود گفت « خدا یا این چه معامله است من این غزل را آلا ن خود گفته ام بذهن و خاطر بهلوان چگونه انتقال یافته » در خواندن مطلع تصور نمود که شاید توارد باشد اما وقتیکه بیت دوم ، سوم ، چهارم الخ را خواند میر بی نهایت مضطرب شد هنگامیکه به نخلص رسید و در عوض نوائی نخلص نسیمی شنید استعجاب فوق العاده برای او دست داد چنانچه میر مینویسد

« من ازین واقعه خیلی متغیر و متاثر شدم و بجای اینکه چیزی بگویم بخاموشی تمام به تحسین و تقدیر غزل پرداختم ، اما دلم گواهی میداد که اتفاق چنین واقعه از ممکنات نیست » تا اینکه پس از چندی پهلوان خنده کرده اعتراف نمود « که این غزل از خود شما بود و من از راه تفنن و خوش طبعی آنرا نقل کرده بودم . »

### مدارس

درس گرمی های میر با مور تعلیم تعمیر مدارس هم شامل است در تمام طول و عرض مملکت امر تعلیم و تدریس را به نهایت وجه نیکو و اسلوب پسندیده انجام میداد مشهور ترین مکتب میر قرآنی است .

- (۱) مدرسه اخلاصیه واقع به نهر انجیل .
- (۲) خانقاه اخلاصیه .
- (۳) شفاییه غالباً درین مدرسه طب و حکمت تعلیم می شد .
- (۴) نظامیه هرات .
- (۵) خسرویه مرو .

بر علاوه در انعهد مدارس با خانقاه ها ، یکجا پیوست و ملحق میبود لهذا در فهرست مدارس خانقاه های مذکور در سابق نیز شامل است میر از بهر اشاعت علم طلبه را وظائف و مدرسین را معاشات گرانی احسان میکرد هزارها نفر ازین مدارس تحصیل علوم نموده عالم و فاضل بر آمدند و در اطراف و اکناف مملکت بوسیله رسوخ و نفوذ شخصی خود علم و فن را رواج دادند از جمله این محصلین صد ها نفر بر تبه تالیف و تصنیف رسیده کتب مبسوط و متعددی در علوم و فنون مختلفه تدوین و تصنیف نمودند و تمام این کتب بنام نامی علی شیر منسوب است عده کتبی که فضایی عهد در زیر اثر میر نوشته اند بصد ها کتاب بالغ می شود و تفصیل آنهمه

در سیرت میر یعنی ( مکارم الاخلاق ) موجود است مادرینجا بدکر بعضی از فضلا که هر يك در افق علم آفتاب درخشانی بوده اکتفا می ورزیم . مولینا جامی ملاحسین واعظ کاشفی ، خوند میر جمال الدین عطاء الله الاصلی ، خواجه ابوالقاسم اللیثی ، دولت شاه وغیره .

میر در کتا بیکه بنام مجالس النقایس راجع به شعرا و فضلا ی عهد خود نوشته است دستة ازدانشمندان و فضلارا نام می برد که آنها در حجر تریبۀ او پرورش یافته و در باره هر يك از آنها قدر دانیهها نموده و اسباب تشویق آنها را فراهم کرده است علاوه بر ان میر در مقابل حوادث روزگار برای آنها حکم سیر داشت و برای سم دیده گان از حوادث دهر ملجاء خوبی بود درینوقت شاعری بود یاری نخلص که قدرت ، طبع بلند و قریحه روشنی با و بخشیده بود اما در اخلاق و معاشرت با عموم طرز خوبی نداشت یاری خوبی برای اغراض سوء فرمانی ساختگی جعل کرد در پاداش آن گرفتار آمده مورد عقوبت شدیدی قرار یافت درین موقع باریک میر علی شیر شفاعت نموده و مجرم را از مجازات سلطانی نجات داد مولینا سیفی ، مولینا آصفی ، مولینا هلالی ، مولینا قراضه شیرازی ، مولینا قبولی وغیره شعرای لاتعد و لاتحصی همه در حجر تریبۀ این وزیر نامور پرورش یافته حتی میر علی شیر اشعار آنان را خود تصحیح میفرمود و از توجه که بتریبۀ آنها مبذول مینمود قوای ذهنی هر يك را در قالب مخصوصی ریخت . طوریکه در ساحة ادب شخصیت بانفوذ میر علی شیر از آن نفوذ مخصوص خود ادبیات آن زمان را رنگ خاصی بخشیده و ترویج ادب را باز یبائی آن توام نموده است همانطور نسبت به صنعت و حرفت هم رول مهمی بازی کرده است اگر ما به نقاشی ، مصوری ، فن تعمیر ، کاشی گری ، کتابه نویسی ، خوشنویسی ، قالین سازی ، موسیقی و سایر فنون و صنائع مستظرفه نظر غابر بیفکنیم

در هر جا و هر نقطه علایم، احسانات بزرگی را می یابیم که میر بردنیای علم و فن مبدول فرموده .

بهزاد که بزرگترین مصوردنیای اسلام است بر ورده میرعلی شیر بوده تصاویر قشنگ و زیبای او مصوری و بستانهای هرات و شیراز را با هم ربطی داده هم آهنگ نمود. پوپ نسبت (بآرت) ایرانی و عناصر ایجادی او بحث مفصلی نموده می نویسد که میلان حکومت و تصوف در ایران دو عنصر تخلیقی است که در دادن شکل مخصوص بآرت ایرانی امداد شایانی کرده است . وقتیکه تصوف برای وصول به حقیقت عشق مجازی را از دبان عروج قرار داد. خوشبختانه برای مصوری نیز جوازی حاصل شد یعنی باید که برای زنده نمودن مطمح نظر حسی و مجازی از قلم مواستمدادی نمایند .

میرعلی شیر که يك معجون عجیب و مرکی از حکومت و درویشی بود در احیا و تزیین ( آرت ) وسیله بزرگی گردید .

گذشته از بهزاد اشخاص دیگری مانند آقامیرك، قاسم علی، سلطان محمد از مشاهیر زمان خود بودند .

در سلسله تعمیرات آئیند باید از میر بطور مخصوص ذکر نمود در سطور گذشته از مساجد، خانقاه ها، سرای ها، مدارس، پل ها، و حمام ها نیکه میر تعمیر نموده است ذکر کرده ایم البته شغف و رجحان طبیعت میر درین رشته بطور واضح مکشوف می شود ولی درین سایر تعمیرات مسجد جامع هرات دارای امتیاز مخصوصی است، میر این مسجد را در عهد خود سر از نو تعمیر نمود خوشبختانه کوائف تعمیر این مسجد در مکارم قدری بتفصیل ذکر

شده و ازان اشتغال و دلچسپی میر را با امور تعمیر مساجد خوبتر میدانیم .  
 مسجد جامع هرات را سلطان ابوالفتح غیاث الدین محمد ابن سام در او آخر  
 سلطنت خود طرح تعمیر ریخت متاسفانه عمرش با انجام این امر خیر و فایز نکرده  
 مسجد همانطور ناتمام ماند، بعد از سلطان غیاث الدین برادرش سلطان  
 شهاب الدین تعمیر آنرا طرف توجه قرار داد، اما در عهد سلطان غیاث الدین  
 ابن شهاب الدین امر تعمیر با ختم رسیده .

حملات چنگیزی در ذیل تخریب سایر آثار خیریه باین مسجد هم صدمه کلی  
 رساند، ملک غیاث الدین کورت از منظر ویرانی آن متأثر شده بترمیم آن اقدام  
 نمود بعد از ملک غیاث الدین کورت، سلطان معز الدین کورت و سلطان جلال الدین  
 فیروز شاه هر یک بنوبه خود بترمیم آن مساعی جمیله بکار برده اند .

امیر علی شیر در سنه ۹۰۳ هجری به تعمیر جدید آن آغاز نمود، مهندسین  
 مشهور و معماران معروف را بکار آن مقرر کرد و آنقدر در انجام کار آن شوق  
 و شغف داشت که خود هم پای مزدورها بکار مشغول می بود، در اجوره و حق  
 الزحمه مزدوران آنقدر فیاض و اجواد بود بکار برد که همه آنها زدل و جان خورسند  
 و ممنون شده به همت تمام و سعی مالا کلام سرگرم کاری بودند . چنانچه در اثر  
 این سعی و کوشش کار چهار ساله در موعدهش ماه بانجام رسید .

بعد از فراغ تعمیر مهندس ها و کاشی تراش ها را بنقش و نگار مسجد برکاشت  
 تا مدت یکسال کار می کردند، طاق ها و رواق ها را بنقوش اسلامی و چینی  
 (خطائی) مزین و دیوارهای مسجد را با شاخه های گل و برک های رنگانک  
 منقش ساختند برای ساختن منبر از اطراف دور دست سنگ مرمر خواست



و استاد شمس الدین سنگ تراش را بساختن آن مکلف نمود و قتیکه منبر تمام شد شعرا ماده تاریخ آن سرودند از انجمله مصرع ذیل است .

کار مسجد در سنه ۹۰۵ هـ بکلی تکمیل یافت ، میر کار بگراش را به انعام و اکرام شایانی نوازش فرمود و بتقریب انعام آن دعوت های متعدده و محترمانه نمود و مردمان از خواص و عوام درین دعوت همد عو بو دند .

میر در تعمیر این مسجد نقد رشوق و شغف قلبی داشت که در تدبیر و امور تعمیر آن با ماهرین متخصصین بزرگ فن بشخص خود مشوره داخل و از تدبیر و افکار آنها استفاده نموده تزئین و زیبائی مسجد را بسر حد امکان رسانید .

این دور از حیث خوشنویسی و کتابت هم دارای بایه بسیار بلند است ، خطاطی ، تذهیب ، نقاشی جلد سازی ، و سایر فنون متعلق به کتاب درین دور بانتهای عروج رسید و ما درینجا محض از اشخاصی نام میبریم که عبارتند : از مولانا جعفر تبریزی ، آغا میرک ، مولانا شمس معروف ، استاد بهزاد ، مولانا سلطان محمد خندان ، مولانا علی الکاتب مجنون ، مولانا یاری ( مذهب و محرر ) استاد قل محمد نقاش ، مولانا سیمی ، مولانا سلطانعلی مشهدی ، مولانا عبدالصمد رنگ مال مولانا شیرعلی و غیره . آسامی ناموران فوق فصیح ترین منادی است که درین عهد فنون جمیله و صنائع مستظرفه به منتهای عروج و اعتلای خود رسیده و صاحب کمالان این فن کوس شهرت و اقتدار خود را با اطراف و اکناف منتشر نمودند و میرعلی شیر که حامی و سرپرست این محیط علمی و ادبی است حصه مستوفائی را درین راه مالک است .

علاوه بر آن در موسیقی مولانا غباری سائلی ، بنائی ، امیر علی ، استاد قل محمد ، در جلد سازی و نقش بری ، میر سعید فغانی در صحافی ، میر قرشی ، در شطرنج ، مولانا مرتاض ، مولانا صاحب بلخی ، مولانا فضل الله ، مولانا وصلی و غیره که هر يك سرآمد عهد خود بوده . یادگار های راجع به فنون جمیله از خود بیادگار گذاشته اند :

اگر چه در موضوع نوازشات امیر علی شیر بارباب فضل شرحی مختصر اما جامع نگاشته ایم ولی از رتبه و حیثیت متمتازی که در بین وزرای اسلام دارد بخوبی میدانیم که اینقدر شرح کوچک از عهده بسط فضائل او بر آمده نمیتواند بلکه این موضوع کتاب مبسوطی میخواهد و ما از حضرت آلہی (جل شانہ) بدعا التماس می نمائیم که ما را توفیقی کرامت فرماید تا در آئی این امر خطیر را تکمیل نمائیم .  
انہا



شیرپوش گاہ علوم انسانی و مطالعات تربیتی  
پرنال جامع علوم انسانی

• به طهارت گذران منزل بیری و مکن  
یاک و صافی شو و از چاه طبیعت بدرآی  
خلعت شیب به تشریف شباب آلوده  
که صفائی نهد آب تراب آلوده

حافظ

تقوی آنست که هیچکس دامن تو نکیرد ، و جوانمردی آنکه تو دامن کس نکیری ،  
الترمذی - تاریخ گزیده